Archive of SID

فصلنامه سیاست، مجلهٔ دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شمارهٔ ۳، پاییز ۱۳۸۹ ، صفحات ۹۲- ۷۵

عدالت اسلامی و گفتمان انتقادی در سیاست خارجی ایران

زهرا پیشگاهی فرد*
دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران
بهادر زارعی
استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۸۷/۸/۲۰ – تاریخ تصویب: ۸۷/۱۱/۶)

چکیده

اندیشه سیاسی اسلام که ساختار تئوریک نظام سیاسی ایران را صورت بندی می نماید متأثر از ارزش های توحیدی وجهان شمولی اسلام ومدعی صورت بندی وشیوه سازماندهی خاصی برای دست یابی به اهدافی متعالی است.از مهم ترین این ارزش ها اصل عدالت را باید نام برد که خداوند هدف از بعثت پیامبران (لیقوم الناس بالقسط)و تمامی انسان ها بویژه اهل ایمان برپاداشتن عدل و قسط اعلام می دارد.جمهوری اسلامی ایران دراصول متعدد قانون اساسی اجرای اصل عدالت درعرصه های مختلف داخلی وبین المللی رایکی از اهداف وآرمان های نظام اسلامی می داند. این اصل در سیاست خارجی به سیاستی انتقادی از سلسله مراتب ژئوپولیتیک قدرت در نظام جهانی، هنجارهای حاکم برسیاست بین الملل، نقش شورای امنیت درحفظ وضع ناعا دلانه موجود و جایگاه سازمان ملل و مواضع آن که جمهوری اسلامی ایران وسایر کشورهای مستضعف را متأثر می سازد می‌پردازد.

واژگان کلیدی:
عدالت، اندیشه اسلامی، عدالت و سیاست، سیاست خارجی، قانون اساسی

* نویسنده مقاله: فاکس: ۶۱۱۱۳۳۶۵ Email: sorour1334@yahoo.com

www.SID.ir

Archive of SID

رویکرد قانون اساسی به موضوع عدالت و روابط خارجی ایران

مسألهی عدالت برای قانون گذارانی که در فضایی انقلابی و به شدت آرمانی اقدام به قانونگذاری کرده اند، چنان جدی و حیاتی بوده که در فصول و اصول مختلف قانون اساسی به وجوه متفاوت آن اعم از عادلانه ساختن شرایط، از میان بردن فاصله طبقاتی، جلوگیری از بروز مجدد شکاف‌ها و متمرکز شدن قدرت و شکل‌گیری طبقات جدید و سرانجام تحکیم، و درونی سازی آن پرداخته است. از جمله اصول و مواردی که قانون اساسی به آن پرداخته و خواستار اجرا و پیگیری آن اصول در جامعه جهانی است، تلاش در جهت عادلانه ساختن شرایط درونی و بیرونی نظام اجتماعی، از بین بردن شکاف و فاصله طبقاتی، جلوگیری از افزایش مجدد شکاف‌ها و تحکیم درونی سازی عدالت است. تمهید شرایط عادلانه به منظور فراهم آوردن بستر مساعد رشد استعدادها، بروز شایستگی ها و اعاده ی حقوق و کسب استحقاقها، مستلزم حصول نوعی عدالت پیشینی است که در اصول سوم،چهاردهم، نوزدهم، بیستم قانون اساسی دیده شده است. تساوی عموم مردم در برابر قانون، رعایت قسط و عدل در حق غیر مسلمانان، اعطای حقوق مساوی صرف نظر از رنگ و نژاد و زبان و بالاخره برابری زن و مرد از جمله اصولی است که عهده دار تحقق چنین شرایطی است. قانون اساسی راهکار های مهمی برای جلوگیری از افزایش مجدد شکاف ها پیش بینی کرده است. این قانون در بند ۴ از اصل چهل و سوم، بر ممنوعیت استثمار و بهره کشی از کار دیگری تصریح نموده و با جلوگیری از تمرکز و تداوم ثروت در دست افراد و گروههای خاص (بند ۲،اصل چهل و سوم)، از جان گرفتن دو باره گروههای صاحب مکنت و یا ظهور طبقات جدید ممانعت کرده است (شجاعی زند، ۸۲ : ۱۳۰). نفی تبعیضات منطقه ای در بهره برداری از منابع طبیعی و درآمدهای ملی مصّرح در اصول چهل هشتم و یکصد و یکم و همچنین مشارکت دادن بیشتر مردم در اداره امور کشور از طریق تشکیل شوراهای محلی و صنفی از دیگر تمهیدات پیشگیری‌کننده‌ی قانون اساسی در این راه است. تساوی عموم مردم در برابر قانون که در بند ۱۴ از اصل سوم بدان تصریح شده راهکار دیگری برای جلو گیری از اعمال هرگونه تبعیض میان آحاد اجتماعی است. بنظر می رسد اتخاذ خط مشی روشن و صریح نسبت به مسئله عدالت و پیش بینی راهکارهای متعدد و مکمل به منظور تحقق و صیانت عملی از آن نشانگر هوشیاری، واقع نگری و آگاهی قانونگذار از این حقیقت محرز است که امر خطیر عدالت را نمی‌توان به سازو کار خود به خودی و دست پنهان سپرد (Robert,1964,p358). این رویکرد به این حقیقت نیز اشاره دارد که دوام و پایداری عدالت، مستلزم تحکیم و درونی سازی آن از طریق ترویج روح برادری و تعاون است. لذا ضمن تصریح به این مسأله ذیل بند ۱۵ از اصل سوم، در اصول

www.SID.ir

Archive of SID

دیگر مثل بند۲ از اصل چهل و چهارم نیز به شکل مستقل به تشویق و تقویت اقتصاد تعاونی اهتمام ورزیده است.

آن‌گونه که از قانون اساسی و عملکرد روابط خارجی ما استنباط می گردد، همچنین استعمال ۲۸ بار واژه عدالت با اشکال و صور متفاوت در سند ملی ایران مبیّن یکی از اصول اعتقادی و تلاش حکومت در جهت یافتن ساز و کارهایی مناسب و مطلوب به منظور اعمال واجرای آن در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی درون نظام اجتماعی، سعی و کوشش برای وادار ساختن نهادهای بین المللی و حقوقی و اصرار بر تغییر رفتار جامعه جهانی بر مبنای عدالت است. هر چند جمهوری اسلامی ایران فاقد قدرت لازم به منظورتاثیرگذاری برفرایند تحولات بین‌المللی باشد و مورد بی توجهی دولت های قدرتمند که سازنده چنین رفتار و نگرشی در روابط بین‌المللی باشند، قرار گیرد. شاید گفتمان انتقادی جمهوری اسلامی ایران پیرامون مقولاتی چون، نظام بین الملل، سلسله مراتب قدرت، نهادهای بین المللی،ساختار و کار کرد آن، تلاش در جهت متقاعد ساختن دولت ها و نهادهای بین المللی به رویه ها و رویکردهای عادلانه ناشی از چنین نگرشی است.به رغم اینکه فصل اوّل وماده یک منشور ملل متحد اشعار می‌دارد: حفظ صلح و امنیت بین المللی... و بر طرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز و حل و فصل اختلافات بین المللی با شیوه های مسالمت‌آمیز و بر طبق اصول عدالت و حقوق بین الملل.همچنین بند ۳ ماده ۲ :کلیه اعضا اختلافات بین‌المللی خود را با شیوه های مسالمت آمیز به صورتی که صلح و امنیت بین المللی و عدالت به خطر نیفتد، حل و فصل خواهند کرد (منشور ملل متحد اصل اول).اگر چه بسیاری از اصول و مواد منشور برای حل و فصل اختلافات بین المللی و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز و کارهای ناقض صلح توسط دولت ها در آن تدوین شده است امّا به مرور زمان تا حدودی سیاست قدرت جای اصول صریح منشور بوسیله دولت های قدرتمند را گرفت.با توجه به نگرش عدالت محورانه ی دینی که الزام بیشتری را برای پیروان آن به همراه می‌آورد، و همان‌گونه که در قانون اساسی نیز مشاهده می شود و در تدوین اولیه آن دوسوم از اعضا شورای مقننین روحانی یا تحصیل کنندگان حوزوی بودند،بنابر این وجود نگرش‌های عدالت‌محورانه‌ی شیعی، نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر (قانون اساسی، اصل ۱۵۲) در قانون اساسی تا حدود زیادی ایجاب و ضرورت نگاهی عادلانه به نظام بین الملل و تحولات جهانی با توجه به نظام اعتقادی اسلام و منشور ملل متحد اجتناب نا پذیر می نمود. بنابراین رویکردهای انتقادی سیاست گذاران کلان و کارگذاران دستگاه دیپلماسی ایران نسبت به ناعادلانه بودن مناسبات بین المللی در همین راستا قابل تحلیل و توجیه است. در زیر نمونه هایی از این رویکردبیان می گردد: چنانچه

www.SID.ir

Archive of SID

تحولات نظام بین الملل سمت گیری عادلانه نداشته باشد و امکانات متمر کز شده در بخش کوچکی از جهان موجب ارتقای کیفی سطح زندگی و کشور های کمتر توسعه یافته نگردد جنگ بین مستضعفین و مستکبرین جهان را پیش رو خواهد داشت و سازمان ملل به عنوان سازمان جهان‌شمول می‌بایست بر اساس عدالت، احترام به کرامت و ارزش‌های والای انسانی، بدور از ملاحظات کوته‌بینانه سیاسی و بر مبنای حقوق بین‌الملل برای حل مشکلات بین‌المللی ارائه طریق نماید»، «این مشکل باعث شده مفهوم عدالت که علی‌الاصول می‌باید زیر بنای منشور ملل متحد باشد به درستی تعریف نشود و زمینه برای سوء تفسیر منشور باز بماند به اعتقاد ما منشور به شدت دچار تناقض است مثلاً در مورد حق وتو منشور این حق را صرفاً برای چند عضو دائم شورا منظور داشته است» (ولایتی، ۷۳ :۰ ۲۲). «آمریکا و ممالک صنعتی غرب همچنین از طریق کنترل سازمان های بین المللی نظیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و مخالفت بر هر گونه تغییر اساسی عادلانه در مدیریت این سازمان‌ها همواره سعی کرده است تا سیاست‌های پولی و مالی و اقتصادی را که حافظ منافع آنها است بدون کوچکترین توجیهی به شرایط اجتماعی و اقتصادی موجود در کشور های در حال توسعه و نیازهای آنان به این کشورها تحمیل نماید» (همان، ۷۳ : ۲۲۷). این بر داشت نا عادلانه و ظالمانه‌ای که در اذهان سیاست گذاران و مجریان دستگاه دیپلماسی ایران از نظام بین الملل و روابط بین الملل وجود داشته و دارد بسیاری از آنان برای ساختن:حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می شناسد... و از مبارزه‌ی حق‌طلبانه‌ی مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از خهان حمایت می‌کند (قانون اساسی،اصل ۱۵۴). وا داشته و در قالب اصولی از قانون اساسی تدوین گردیده و هم اکنون مبنای رفتار و عمل دولت مردان جمهوری اسلامی است.

به نظر می‌رسد آخرین اصل سیاست خارجی قانون اساسی ایران (اصل ۱۵۵) نیز متأثر از اصل پیشین است، به نوعی این موضوع را باز می تاباند که چنان چه مبارزین با استکبار جهانی (مستضعفین جهان) در راه تشکیل حکومت عادلانه تحت تعقیب و پیگیری قرار گیرند وزارت امور خارجه ایران به استناد این اصل قانونی امکان و اجازه پناهندگی سیاسی به این افراد را دارد و می تواند اقدام نماید.

شاید یکی از مشکلات پیوسته دستگاه دیپلماسی ایران عدم شناخت ودرک دقیق علائق و منافع رفتار بازیگران عرصه بین المللی است. امروز کلیت نظام بین‌الملل جهت گیری خود را اقتصادی تنظیم کرده اند و ابعاد فرهنگی مانندعدالت و... در دایره‌های کوچک‌تر و تحت‌الشعاع مدار اقتصادی قرار دارند. تقریبا تمام وجوه غیر اقتصادی مملکت داری در اختیار وجوه اقتصادی می باشد.از طرف دیگر قواعد بازی رفتار بازیگران همیشه در تاریخ روابط بین الملل توسط قدرت های برتر تدوین و طراحی می شده است وقدرت های منطقه ای و کوچک نقش

www.SID.ir

Archive of SID

چندانی در این زمینه نداشته اند. هر چند مفاهیمی مانند عدالت و برابری در فرهنگ مغرب زمین با فرهنگ اسلامی(و شیعی) تفاوت اساسی و اجرایی دارد.

تأثیر عدالت بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

سیاست خارجی عبارت است از مجموعه‌ی خط‌مشی‌ها، تدابیر، روش‌ها و انتخاب مواضعی که یک دولت در برخورد با امور ومسائل خارجی در چارچوب اهداف کلی حاکم بر نظام سیاسی اعمال می‌نماید، به عبارت دیگر سیاست خارجی بازتاب اهداف و سیاست‌های یک دولت در صحنه روابط بین‌الملل و در ارتباط با سایر دولت ها، جوامع و سازمان‌های بین‌المللی، نهضت‌ها، افراد بیگانه وحوادث و اتفاقات جهانی می باشد، بنابراین تعریف سیاست خارجی هر کشوری شامل دوبخش مجزا می باشد: الف) اهداف ملی که هر کشوری در صحنه بین‌المللی در صدد تعقیب و تحصیل آن می باشد. ب) سیاست ها و روش هایی که برای رسیدن به اهداف مزبور اتخاذ و اعمال می گردد.

بنابراین نقطه آغاز در سیاستگذاری خارجی هر کشوری نیازها و آرمان‌هایی می باشد که به عنوان اهداف ملی بیان و برای تحقق وتامین آنها تلاش می گردد (محمدی، ۷۷ :۱۸).

برخی سیاست خارجی هر کشوری را در نهایت ادامه سیاست داخلی آن می‌دانند و رفتارهای بیرونی آن ناشی از لایه‌ها و پیچیدگی‌هایی که در داخل آن وجود دار تلقی می‌نمایند. اهداف کلان ایران در واقع به صورت تلویحی، فرهنگ سیاسی انباشته شده و ماهیت فکری – طبقاتی نخبگان ابزاری آن نقش اساسی در رفتار سیاست خارجی ایران بازی می کند. نتیجه رفتار، عکس‌العمل‌ها و نظام انگیزشی یک ملت در فرهنگ سیاسی آن است (سریع القلم، ۷۹، ۴۷).

پروفسور روح الله رمضانی با نگاهی عمیق و دقیق به حوزه سیاست خارجی ایران و به شیوه‌ای نقد گونه نسبت به عدم شناخت علمی آن برای پیش برد اهداف و برنامه‌های ملی می‌نویسد: سیاست خارجی، همواره و در همه‌جا، از مناقشه برانگیزترین حوزه‌های سیاست‌گذاری بوده است. ولی متأسفانه در ایران، اهمیت واقعی ونقش آن در رقم خوردن سرنوشت کشور و ملت و زمینه‌سازی فراز و نشیب ها و نیز ارزش بی‌چون و چرایش به منزله یکی از بزرگ ترین ابزارهای تأمین یکپارچگی، امنیت سرزمینی، وجهه و اعتبار بین‌المللی، پیشبرد اهداف و برنامه های ملی به شیو های علمی باز شناخته نشده است (رمضانی، ۸۰ : ۲۵).

تردیدی نیست که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، خود بخشی از نظام جمهوری اسلامی ووجهی از کل سیاست کشور است که بر مبنای موازین اسلامی بنا شده است. در همین راستا یکی از اهداف آرمانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عرصه

www.SID.ir

Archive of SID

بین‌المللی تلاش در جهت بر پایی اصل عدالت در جامعه جهانی است، در این بخش تلاش می‌شود تا به اصل عدالت ازسه منظر قرآن کریم، کارگزاران نظام و قانون اساسی که تصمیم‌سازی‌های کلان دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران را متاثر ساخته است، پرداخته شود. یکی از دلایل اصلی که نظام سیاسی ایران تحقق عدالت را در جامعه خویش وجامعه جهانی تعقیب می نماید و آن را از اصول راهبردی دستگاه دیپلماسی خویش می پندارد تأکید قرآن کریم بر این اصل است. از منظر قرآن کریم عدالت اصل و مبدأ هستی است، بدین معنا که هستی بر اساس آن ومطابق آن بنا شده است (سوره انعام، آیه ۱۱۵). وهم والاترین و باارزش ترین هدف جهان هستی است. انبیاء بشر و ادیان توحیدی و شریعت‌های بر جای مانده، هدف خود را دست یافتن به عدالت و استقرار آن در جامعه و نفس انسان می دانند. (قل امر ربی بالقسط) عدالت ریشه در فطرت بشر دارد ودین مبین اسلام نیزکه بر مبنای خواستها و نیازهای فطری بشر بنا شده است به عدالت به عنوان حقیقتی که انسان آن را در ذات خود یافته و فطرتش به آن حکم می‌کند تأکید دارد. با توجه به اینکه نظام سیاسی ایران داعیه اسلامی بودن وقرآنی بودن تمام اجزاء وآحاد خویش را دارد طبیعی است که دستگاه دیپلماسی آن با توجه به تاکیدات مکرر اسلام و قرآن، در پی تحقق چنین اصلی باشد، هرچند دست یافتن به آن در شرایط کنونی با توجه به محدودیت قدرت این کشور ومخالفت قدرت های برتر جهانی با چنین اصل و امر قرآنی دشوار به نظر می رسد، اما از آنجا که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مکلف (دین اسلام) وموظف (بر اساس، مقدمه و اصول ۱، ۳ و ۱۵۴ قانون اساسی...) به تعقیب و پی‌گیری آن است، لذا دفاع از این اصل و یافتن ساز وکارهای تحقق آن در مجامع بین المللی را از جمله ی رسالتهای جهانی خویش می پندارد.پس عدالت جویی را می‌توان یکی از ارزش های فرهنگ اسلامی که بدل به نوعی ارزش در سیاست خارجی می‌شود، دانست. این قاعده به هویت جمهوری اسلامی به عنوان یک عنصر عدالت‌گرا و یک واحد سیاسی عدالت جو شکل خواهد داد.باز تاب عینی این موضوع رامی توان در تأکید بر حمایت از مستضعفین جهان یا حمایت از جنبش هایی که در پی ایجاد عدالت هستند و امثال این ها دید (مشیر زاده، ۸۵،۲۲).

از عوامل دیگر ی که دستگاه دیپلماسی ایران را موظف به تلاش در جهت تحقق عدالت در عرصه روابط بین الملل می‌نماید، دیدگاه‌های شفاف کارگزاران نظام پیرامون اصل مذکور است، علاوه بر نخبگان داخلی فقهای شیعه در سایر کشورهای اسلامی نیز پیرامون دولت اسلامی در جهان اسلام و سیاست خارجی آن مطالبی را منتشر نموده اند. یکی از آنان آیت الله سید محمد باقر صدر است،وی اصول سیاست خارجی دولت اسلامی را :الف- حمایت و

www.SID.ir

Archive of SID

ایستادگی بر جانب داری از حق و عدالت در مسائل بین المللی ب- یاری تمام مستضعفین و محرومان جهان و مقاومت در برابر استعمار و طغیان گری، می‌داند (صدر،۷۷ :۲۵۸).

عدالت، نظام بین الملل و سیاست خارجی ایران از نگاه امام خمینی

به نظر می رسد نوشته‌ها و خطابه‌های امام خمینی بیشترین تأثیر را در جهت گیری فکری و کلامی جامعه و نخبگان اجرایی و سیاسی ایران داشته و دارد. اصول سیاست خارجی که امام خمینی طراحی نموده است، می‌تواند به منزله یکی ازمنابع رسمی تصمیم گیری در سیاست جمهوری اسلامی ایران به شمار آورد.

امام خمینی (ره) یکی از اهداف انقلاب اسلامی ایران را ایجاد قسط و عدل و بسط عدالت فردی و اجتماعی، جلوگیری از ظلم وفساد و جور، ایجاد حکومت قانون و اجرای قوانین بر معیار قسط و عدل می‌داند. در این رابطه حضرت امام خمینی (ره) مصادیق اجتماعی و اقتصادی عدالت را برمی‌شمرند و آنها را زمینه ساز حکومت حق به نفع مستضعفان و حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) می داند. حمایت و طرفداری از مستضعفان، خدمت به ضعفاء، رسیدگی به وضع محرومین ونجات آنان از زیر یوغ ستمگران، از بین بردن فقر و شکافهای طبقاتی در زمره گامهای مورد نظر حضرت امام (ره) برای تحقق عدالت واستیفای حقوق حقه مستضعفان تلقی شده است (دهشیری، ۷۹ :۵۱). ماعدالت اسلامی رامی خواهیم دراین مملکت برقرار کنیم.اسلامی که درآن ظلم وجود ندارد وشخص اول آن با فرد آخر آن در برابر قانون مساوی است....و این قانون مبتنی برعدالت الهی است» (امام خمینی،۵۸ : ۱۵۶).

امام خمینی در دهه آخر عمر خویش به نقد نظام بین الملل موجود که بیشتر متأثر از توازن قدرت ومنافع صرف ملی،و به تشریح نظام مطلوب مورد نظر جمهوری اسلامی پرداخته و شاخص های آن را بیان می دارد. نویسندگان کتاب سیاست خارجی ایران بر این عقیده اند: امام خمینی بر حفظ صلح جهانی،ایجاد امنیت و عدالت در سرتاسر جهان از طریق همکاری متقابل تأکید داشته و همزیستی مسالمت آمیز ملت ها بر مبنای احترام به عقاید یکدیگرو پایبندی به قرارداد ها را کمکی به بشریت در جهت نیل به آرامش می دانستند (مولانا - محمدی، ۸۷:۵۸). البته ایشان لازمه این امر را بستر سازی مناسب در نظام بین الملل دانسته که ازبین رفتن نظام سلطه غرب و شرق، توجه به ارزش های انسانی، ایجاد نظام عدل وقسط در سراسر جهان و از بین بردن فقر می دانستند (صحیفه نور،جلد ۱۲ :۶۳۱). امام خمینی سیاست قدرت و زور را در عرصه بین المللی و روابط بین دولت ها را ظالمانه، زور گویی و نا عادلانه می داند که برای جمهوری اسلامی قابل هضم نیست

www.SID.ir

Archive of SID

و چنین نگرشی را در سیاست خارجی ایران مطلقا مردود و مطرود می‌پندارد که ایران نمی‌تواند با آن کنار بیاید (همان، جلد۱۸).

ایشان دیدگاه جمهوری اسلامی ایران را پیرامون جایگاه و نقش عدالت در روابط بین الملل چنین اعلام می‌دارد: ما عدالت را برای همه {ملت ها} می‌خواهیم. اگر دنبال صلحیم باز بر پایه عدالت است که ماندگار و پایدار است (صحیفه نور جلد ۸،۶۷).

نگاه امام خمینی به نظام بین الملل و سیاست خارجی ایران بدون توجه به ملاحظات سیاسی زمان خویش که نظام دو قطبی بر جهان حاکم بود، بلکه نگرش او مبتنی بر اصول اعتقادی اسلام و ارزش های توحیدی جهانی وجاودانه مانند عدالت باوری مبارزه با ظلم و ستم و حمایت از محرومان بوده و با تئوری های نه چندان با دوام و جامع روابط بین الملل هیچ نوع تناسب و همخوانی ندارد که در تضاد نیز هست.او با صراحت خطوط کلی سیاست خارجی ایران را در زمان خویش اعلام می دارد:ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین المللی اسلامی امان بارها اعلام نموده ایم که در صدد گسترش نفذ اسلام در جهان وکم کردن سلطه جهان خواران بوده و هستیم (صحیفه نور،جلد۲۰ :۲۳۸). به باور قوام :در این دوره دو قدرت بزرگ شرق و غرب یعنی آمریکا وشوروی با بد بینی اخلاقی به سیاست، سیاست بین الملل را بر آمده از مبارزه بی امان و بی انتها برای کسب قدرت می دانستندوریشه چنین رقابتی را در طبیعت انسان جستجو و توجیه می نمودند و برای عدالت، قانون و جامعه حد مشخص و محدودی رادر نظر می گرفتند (قوام، ۸۴ : ۳۶۰). نگرش انتقادی امام خمینی به نظام بین الملل، سلسله مراتب قدرت و نگاه ناعادلانه دولت های قدرت مند به مستضعفان و محرومان جهان تا پایان عمر خود حفظ نموده است.این نگرش در وصیت نامه ایشان از مستضعفان و محرومان و همچنین کشورها و ملل اسلامی خواسته است تا بپا خیزند و نهراسند و مستکبران جهان را سر جای خود بنشانند. لازم به ذکر است که نگاه خاص ایران به نظام بین‌الملل اگر چه بعد از ارتحال امام خمینی دست خوش تغییراتی شد اما در دوره اخیر مجددا احیا گردیده است که بعدا به آن باز خواهیم گشت.

به نظر می رسد اصول سیاست خارجی که امام خمینی طراحی نموده است، می‌تواند به منزله یکی از منابع رسمی تصمیم‌گیری در سیاست جمهوری اسلامی ایران به شمار آورد. به‌گونه‌ای که آیت‌الله خامنه‌ای نیز پس از ارتحال امام خمینی و انتخاب ایشان به سمت رهبری، در خرداد ۶۸ رسما اعلام داشت: خطوط کلی در سیاست جمهوری اسلامی ایران،همان خطی است که امام خمینی تبیین و ترسیم نموده است (آیت الله خامنه ای،۶۸ :۵) آیت الله خامنه‌ای در خطابه‌های خود عدالت را در نظام اجتماعی و بین المللی در سه محور تعقیب می نمایند : الف- تلاش حکومت برای استقرار قسط و عدالت در جامعه و نظام بین الملل ب- کوشش

www.SID.ir

Archive of SID

برای رفع فقر و نا امنی و محرومیت در جامعه (مبارزه با فقر و تبعیض) ج- مبارزه جدی با مفاسد اقتصادی و توجه به معیشت مردم.ایشان در همین رابطه معتقدند: «نظام اسلامی نظام عدالت است. این نظام اسلامی بوجود آمده است، اولین کارش قسط و عدل است قسط و عدل واجب‌ترین کارهاست، ما رفاه را هم برای قسط و عدل می خواهیم دعوت به نظام اسلامی، منهای اعتقادی راسخ و عملی پیگیر در راه عدالت اجتماعی دعوتی ناقص و دروغ است و هر نظامی هر چند با آرایش اسلامی اگر تأمین قسط و عدل و نجات ضعفا و محرومین در سرلوحه برنامه‌های آن نباشد غیراسلامی و منافقانه است. در عرصه‌ی بین‌الملل نیز دستگاه فکری اندیشوران و کارگزاران نظام اسلامی عدالت محور و معترض و در پی ایجاد نظمی عادلانه در مقابل شرایط کنونی است. «دنیا اتفاقاً دنیایی است که به قسط و عدل بی اعتناست. ما در این زمینه باید بگوییم که به عنوان یک حکومت در دنیا خیلی تنهاییم، به این شعارهایی که در دنیا می دهند نگاه کنید، اساس حکومت‌های دنیا، اساس عدل دررعایت حقوق انسان ها و رعایت ضعفا و محرومان نیست» (آیت الله خامنه ای،۷۶). «مردم در دنیا تشنه عدالتند، امروز در کشور هایی که دم از دموکراسی می زنند، بی عدالتی از همه جا بیشتر است» (همان،۷۶). به نظر می‌رسد با توجه به مسائل مطروحه توسط کارگزاران نظام اسلامی، یکی از وظایف و رسالت های نظام اسلامی تعقیب اصل عدالت در عرصه ی بین الملل است. زیرا نظام فکری – دینی مسلمانان" لیقوم الناس بالقسط و یمل الله به الارض عدل و قسط"(حدید،۲۵) است. بنابراین فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. چرا که قیام پیامبران خدا و نزول کتاب و میزان الهی، بر اساس همین بود که مردم از فشار ظلم و تبعیض و تحمیل نجات یافته، در سایه ی قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام عادلانه، به کمالات انسانی نایل آیند. به یقین در عرصه ی بین المللی نیز یکی از وظایف و اهداف عالیه ی دولت اسلامی تعقیب این اصل حساس و توحیدی است. کوتاه سخن آنکه تأکیدی که در اسلام و به خصوص در تشیع بر عدالت شده آن را به یک عنصر ارزشی تعیین-کننده تبدیل کرده است که در شکل دادن به آنچه که ما تحت عنوان هویت اسلامی می‌شناسیم نقش دارد.

در ایران براساس قانون اساسی سیاست های کلی نظام توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام با نظارت رهبری تدوین و به دولت ابلاغ می‌گردد، رهبری در سال ۸۲، دیدگاه های خویش پیرامون سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه در امور اجتماعی، سیاسی،دفاعی وامنیتی چنین اعلام داشتند : الف- تلاش درجهت تحقق عدالت اجتماعی وایجاد فرصت های برابر. ب-تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل. ج- حمایت ازمسلمانان وملت های مظلوم و مستضعف بویژه ملت فلسطین در مقابله با تک‌قطبی شدن جهان. همان گونه که پیداست

www.SID.ir

Archive of SID

اصول مذکور منبعث از روح عدالت محوری حاکم بر دستگاه فکری تصمیم‌سازان کلان جمهوری اسلامی ایران است که عمدتاً انتقادی و معترض از شرایط حاکم بر روابط بین‌الملل، مبتنی بر مناسبات قدرت و خواهان حفظ وضع موجود است. جالب است بدانیم که در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه نیز که به دولت در سال ۸۷ ابلاغ شده در ماده ۹ بند ۳۹ چنین تدوین شده است: سازماندهی تلاش مشترک برای ایجاد مناسبات و نظامات جدید اقتصادی، سیاسی و فرهنگی منطقه‌ای و جهانی با هدف تأمین عدالت، صلح و امنیت جهانی،هچنین حمایت از ملت‌های مظلوم و مستضعف، و... مجدداً قید و به دستگاه دیپلماسی دولت ابلاغ شده است (سیاست های کلی نظام،۸۷ :۷).

به نظر می رسد یکی از مهمترین منابع و ماخذ برای شناخت اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی کشور است، با توجه به آنچه که در مقدمه واصول آن آمده است، می‌توان اهداف نظام وتمام نهادهای ایران را که بر اساس اصول وضوابط اسلامی تدوین شده بشناسیم. از جمله آنان وشاید یکی از مهمترین آنان دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی است. با توجه به رسالت جهانی انقلاب اسلامی قانون اساسی بیشترین توجه و اهمیت را به تحقق اهداف بین المللی و خارجی خود داده است (R.ramazany ،۱۳۰،۹۲).

مقدمه قانون اساسی، هدف از برپایی حکومت جمهوری اسلامی ایران را بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن و عدل خدا در خلقت و تشریح و همچنین نفی هر گونه ستم گری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری، قسط، عدل و استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و همبستگی ملی را تامین می کند، می داند. سه اصل از اصول قانون اساسی (اصول ۱۱، ۱۵۲، ۱۵۴) دستگاه سیاست خارجی را موظف و مأمور پیگیری وتعقیب یکی از اهداف عالیه اسلام یعنی اصل عدالت در عرصه بین‌المللی می‌نماید. در اصل ۱۵۴ چنین آمده است : «جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می داند و استقلال، آزادی وحکومت حق وعدل را حق همه مردم جهان می شناسد...» (قانون اساسی، ۶۸ : ۸۱)

یکی از اهداف غایی و آرمانی که قانون اساسی به جد به آن پرداخته است وتصمیم سازان وکارگزاران دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی را مأمور یافتن ساز و کارهای مناسب جهت تحقق آن نموده است تلاش در جهت تشکیل امت واحد جهانی است. به یقین دست یافتن به چنین اصل آرمانی قطعاً باید بر مبنای عدالت باشد، تا بتواند این حکومت را به حکومت جهانی وعادلانه حضرت مهدی (عج) پیوند دهد، وزمینه ساز حکومت جهانی اسلام باشد.

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این هدف و رسالت جهانی عنایت خاصی مبذول شده و چنین آمده است : قانون اساسی با توجه به محتوای انقلاب اسلامی ایران

www.SID.ir

Archive of SID

که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه ی تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می کند. به ویژه درگسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحدجهانی را فراهم کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم وتحت ستم در تمامی جهان قوام یابد. با توجه به اصل ۱۵۴ و مقدمه قانون اساسی که انقلاب ایران را حرکتی برای پیروزی نهایی مستضعفین بر مستکبرین می داند یکی از اهداف مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی درحقیقت مقدمه و لازمه‌ی تشکیل حکومت واحد جهانی همانا مبارزه با استکبار جهانی وحمایت ازمردم مستضعف دنیا در هر نقطه ای با هرنژاد، زبان ومذهب می باشد. مسأله ی حمایت از مستضعفین در قبال مستکبرین جهان مورد توجه اساسی رهبرانقلاب اسلامی بوده به طوری که ایشان چند ماه بعد از به ثمر رسیدن انقلاب، تأسیس حزب جهانی را به نام حزب مستضعفین در قبال مستکبرین مطرح نمودند تا در راه تحقق وعده ی الهی که همان حاکمیت مستضعفین بر جهان است گامهایی برداشته شود. لذا یکی از اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی در گسترش مبارزه علیه استکبارجهانی این است که تمامی نیروهای بالقوه وبالفعل دنیا را در قلمروی وسیع برای رودررویی و مقابله با استکبار جهانی بسیج کند. قصد جمهوری اسلامی این نیست که با نابودی ابرقدرت‌ها و استکبار خود جانشین آنها شده وبه همان شیوه عمل نماید بلکه مبارزه با استکبارجهانی یک مبارزه ارزشی و فرهنگی است و اختلاف برسر احیاء و تعالی و حاکمیت فضیلت‌های انسانی است. مبارزه برای برپایی عدالت و ایجاد یک جامعه عادلانه است، مبارزه بین جهان مادیات و جهان ایمان و معنویات یک مبارزه مستمر و طولانی خواهد بود.

بنابر آنچه گفته شد هم تئوری‌پردازان حوزه و دانشگاه و هم تصمیم‌سازان و سیاست‌گزاران و هم مجریان دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به اهمیت، ارزش و جایگاه عدالت در اندیشه اسلامی و برآیند آن حکومت اسلامی، ضرورت توجه، اعلان و اعمال آن توسط سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ولوعدم توفیق در دستیابی به آن درعرصه داخلی و بین‌المللی اجتناب ناپذیر است. همانطور که جمهوری اسلامی ایران به رغم موفقیت در اجرا واعمال آن در عرصه های مختلف تاکنون در سیاست های اعلانی خویش از آن عدول ننموده و فروگذار نکرده است. مسؤول دستگاه دیپلماسی ایران از سال ۶۱ تا ۷۳، سیزده بار موفق به حضور در اجلاس سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل و ارایه سخنرانی و بیان دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران شده است. ایشان به طور متوسط بیست و شش بار پیرامون جایگاه عدالت و اهمیت آن نزد این کشور به عنوان یکی از اصول اعتقادی سیاست خارجی دولت خود که در جهت تحقق و بسط آن از هر تلاش و کوششی فروگذار نخواهد بود،اهتمام ورزیده است. این اصل در زمان دولت خاتمی نیز هر چند به عنوان ابزاری در

www.SID.ir

Archive of SID

جهت نقد و نفرین قدرت‌های استثماری و استکباری به کار نرفت اما به عنوان یکی از اصول ثابت سیاست خارجی این دوره در عرصه بین المللی تعقیب می شد. کمال خرازی این موضوع را چنین تشریح می‌نماید: «موضوع دومی که باید در ریشه های داخلی سیاست خارجی ایران بررسی شود فرهنگ سیاسی است که نسبت به ارزش ها و هنجارهای خود حساس است. این فرهنگ، که کاملاً با

باورهای مذهبی عجین است، تبلور تاریخ طولانی آن آرزوی عدالت می باشد» (خرازی، ۸۰:۹۰) .

احمد نقیب‌زاده اندیشمند ایرانی و متخصص روابط بین الملل بر این عقیده است که نگرش عدالت محورانه جمهوری اسلامی طی این سی سال ریشه در ارزش های معتبر فرهنگ ایرانی دارد که تأثیر خود را بر رفتار اجتماعی و سیاسی مردم و دولت مردان بر جای می‌گذارد. عدالت در عالم سیاست در قلب اندیشه‌های سیاسی ایرانیان قرار داشته است. به عقیده نقیب‌زاده: اصل عدالت امروز نیز بر رفتار ما حاکم است و زیر عنوان مبارزه با ظلم بر سیاست و رفتار خارجی ما اثر می گذارد در اعتقادات شیعه پذیرش ظلم نه تنها عمل نکوهیده ای است بلکه خشم فرو بستن به ظلمی که به دیگران روا می رود نیز پسندیده نیست. این نگرش در سیاست خارجی ایران جایگاه والایی پیدا کرده است (نقیب زاده،۸۱ :۲۲۶).

به همین دلیل در دستگاه فکری دولت مردان ایران رمزگان عدالت بیش از هر عامل دیگری آنان را در برابر ساختار ظالمانه نظام بین الملل و قدرت های بزرگ قرار می‌دهد بر همین اساس تمام نهادها و سازمان های بین المللی نیز ابزاری در دست ظالمان جهان هستندکه همراه با خود ظالمان جهان باید مورد معارضه قرار گیرند.

دیدگاه انتقادی جمهوری اسلامی ایران نسبت به نهادهای بین المللی

دولت ها در سیاست خارجی خود، برای سازمان های بین المللی بخصوص سازمان ملل جایگاه و اعتبار ویژه ای قائلند، بطوری که نفس عضویت در سازمان ملل و سایر سازمان های معتبر جهانی برای کشورها ایجاد اعتبار بین‌المللی و مقبولیت داخلی به همراه دارد. بنا به باور دکتر آقایی: یک دولت با عضویت در سازمان ملل، علاوه بر آنکه کسب اعتبار می کند،در واقع اعلام می دارد که می خواهد در چارچوب مقررات و قوانین بین المللی با دیگر اعضاء رابطه بر قرار کند (آقایی، ۸۱ : ۸۵). در عصر حاضر هیچ سازمان بین المللی در نظام بین الملل نقشی مؤثرتر از سازمان ملل بر عهده نداردو کشور ها نیز باید بر اساس اهداف و منافع ملی خویش، از این سازمان و نقش و نفوذ آن در روابط بین الملل بهره مناسب را ببرند. اما این وضعیت تا حدودی برای جمهوری اسلامی ایران متفاوت بود. با پیروزی انقلاب اسلامی و اشغال سفارت

www.SID.ir

Archive of SID

آمریکا و شروع جنگ عراق بر علیه ایران و با نفوذ دولت های قدرت مند غربی در سازمان ملل و سایر سازمان های بین المللی که در بیشتر موارد منجر به موضع گیری و اتخاذ مواضع منفی نسبت به ایران گرددید–حکومت ایران نیز کم کم با بد بینی به سازمان‌های بین المللی از جمله سازمان ملل نگریست. اولین موضع گیری رسمی پس از انقلاب بر علیه سارمان ملل، شورای امنیت، سازمان عفو بین الملل و عدم تعهد توسط امام خمینی اعلام شد، او اظهار داشت:... به اینکه یک همچون مجالسی هست و شورای امنیت هست و سازمان ملل هست و این چیز هایی است که بای ما درست کردند. و ما را می خواهند بازی بدهند این مجالس که این ها درست کردند و ما را محکوم کردند آن از اول معلوم بود که ما محکوم هستیم آن مجالس ابدا ارزش ندارد و هرچه محکوم کنند، غلط می‌کنند. محکوم کردند غلط کردند، اشتباه کردند (امام خمینی، ۶۰ :۵۵۰). ایشان حق وتوی شورای امنیت را امری نا پذیرفته و اختیاری دست دو یا چند نفر می داند.وی معتقد است: ما می خواهیم همه ی دنیا بر عدالت با شد هر جا را اینها می‌چاپند اگر چنانچه مثلا سازمان بین المللی کذا بخواهد جلویش را بگیرد فورا وتو می‌کند و می‌گوید نه تو غلط می کنید این حرف را می‌زنید (امام خمینی،۶۱ : ۸۰۰). در همان سال موضع انتقادی خود را نسبت به سازمان عفو بین الملل و سایر سازمان های جهانی اعلام می‌دارد. ایشان در پاسخ به موضع گیری سازمان عفو بین الملل که به دلیل اعدام‌های آن دوره در ایران اتخاذ گردید نظر انتقادی خود را چنین اعلام دشت: سازمان عفو بین الملل که من باید بگویم سازمان جعل بین الملل سازمان کذب بین المللی تهمت هایی بر کشور ما زده اند. سازمان عفو بین الملل و دیگر سازمان ها همه دست به هم دادها ند که این جمهوری اسلامی را در اینجا خفه کنند (امام خمینی، ۶۰ : ۵۵۰). امام خمینی هم چنین نظر صریح خود را نسبت به عملکرد جنبش عدم تعهدا براز می دارد:همان غیر متعهد ها هم باور نکنید که غیر متعهدند اگر در بینشان {غیر متعهد واقعی} پیدا بشود،بسیار نادر است (امام خمینی، ۶۱ :۴۴۲).

دیدگاه های انتقادی جمهوری اسلامی ایران که عمدتا بر آمده از نگرش عدالت محورانه اسلام نسبت به موضوعات گوناگون است در طول دوران ۸ سال جنگ عراق علیه ایران،توسط امام خمینی، رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه مخصوصا در نشست های سالانه مجمع عمومی سازمان ملل با انتقاد از رویه ناعادلانه در شناخت و بر خورد با تجاوزعراق به ایران و بسیاری از مسائل وقت جهان اسلام و مشکلات موجود در جهان سوم ادامه یافت. وزیر امور خارجه وقت ایران در رابطه با رفتار ناعادلانه سازمان ملل و شورای امنیت می گوید: اگر شورای امنیت در هفته اول شروع تجاوز عراق بر اساس وظیفه خود عمل می کرد و در قعطنامه ۴۷۹ که اولین قعطنامه پس از تجاوز عراق به ایران بود در اعتراف به تجاوز،شناسایی متجاوز برخورد با آن کوتاهی نمی‌کرد وضعیتی دیگر غیر از آنچه رخ داده بود ایجاد می‌شد (ولایتی،۷۵ : ۹).

www.SID.ir

Archive of SID

رابطه ایران با سازمان ملل و سایر سازمان های جهانی پیرامون موضوعات مختلف فرازو نشیب‌های فراوانی داشت و همواره انتقادات و نظرات اصلاحی خود نسبت به اشکالات ساختاری و اجرایی سازمان ملل و شورای امنیت ونادیده انگاشتن نقش جهان سوم همچنین نحوه تصمصم گیری ناعادلانه در این شورا و حق وتوی نا عادلانه ادامه یافت.

دیدگاه های انتقادی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با سازمان های بین المللی که در دهه اول انقلاب با شدت آغاز شده بود، بعد از گذشت یک دهه به دیدگاه های انتقادی- اصلاحی تغییر موضع داد و در دهه های بعد کم و بیش ادامه یافت اما در سال های اخیر این موضع تبدیل به یکی از راهبرد های کلان ملی پایدار برای دستگاه دیپلماسی ایران مبدل شده است که تعقیب و پیگیری آن به صورت یک رسالت به آن نگریسته می‌شود. اصلاح ساختار سازمان ملل در سیاست‌های کلی نظام در برنامه چهارم و پنجم توسعه خطاب به دولت و دستگاه دیپلماسی آن دلیلی برنا عادلانه پنداشتن این رویه و تلاش بر اصلاح آن این ادعا را اثبات می‌کند.

جایگاه عدالت در سیاست خارجی دولت احمدی نژاد

در سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی عدالت یکی از محورهای اساسی سیاست خارجی بوده که در تمام شئون آن مانند روابط دو جانبه، روابط اقتصادی، نفی سلطه گری و سلطه‌پذیری و روابط با سازمان‌های بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است.

در شرایط کنونی مدیریت دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران دراختیار ائتلاف آباد گران ایران اسلامی و اصول گرایان است.آنان دراصول سیاست خارجی خویش به موضوع عدالت توجه ویژه ای مبذول داشته اند. در این اصول عناوین زیر از بر جستگی خاصی برخوردار است: الف- گفتمان عدالت در تعامل ومناسبات با دنیای خارج چاشنی سیاست خارجی ما با شد. ب- روحیه عدالت طلبی و ظلم ناپذیری را باید در دستگاه دیپلماسی، پرورش و تقویت کرد. ج- ایجاد ائتلاف برای عدالت و نفی جنگ، نفی ناعدالتی وسیاسی کاری.در بخش بایدها: د-ائتلاف برای عدالت، صلح و همزیستی گفتگوی تمدن ها و ادیان. ح- گفتگو، تعامل و روابط با دنیا بر پایه منطق عدالت نفی زور و احترام متقابل (WWW.abadgaran.ir P2)

حمید مولانا در خصوص جایگاه عدالت در سیاست خارجی دولت احمدی نژاد می‌گوید: دولت احمدی نژاد در فراسوی مفهوم قدرت و توازن قدرت قدم بر داشته وعدالت را یکی از پایه های اصلی کاربردی جمهوری اسلامی ایران در سطح بین المللی و سازمان های جهانی عرضه نموده است (مولانا، ۸۷ :۱۴۳).

www.SID.ir

Archive of SID

آقای احمدی‌نژاد در اسفند ۸۴ در مجمع عمومی سازمان ملل در باب اهمیت و ضرورت عدالت در روابط بین المللی چنین می گوید: جمهوری اسلامی ایران صلح و آرامش را بر پایه عدالت و معنویت نه تنها برای ملت ایران و نه تنها برای ملت های اسلامی، بلکه برای همه ملت‌ها می‌خواهد. اقتدار کشورهای اسلامی و کشورهای مستقل به نفع همه ی بشریت است. به نفع صلح و آرامش و عدالت جهانی است. او عامل عدالت را به عنوان یک اصل بنیادین در روابط بین الملل در نطق خود در سازمان ملل مطرح نمود و نقطه اتکاء امید و مشارکت دولت‌ها، ملت‌ها و تفاهم و همکاری در جهت تحقق صلح و آرامش جهانی را مستلزم عدالت در سازمان حاکم و بسط و تعمیق عدالت در سطح بین المللی دانست.وی در سال سوم سفر خود برای سومین بار پیاپی دیدگاه عدالت محور خویش را برای جهانیان اعلام می نماید: اگر نگاه ما عدالت محورباشد، قانون و حق و عدالت برای همه،آن وقت ریشه عصبانیت از بیخ کنده خواهد شد (www.persident.ir).

برخی متخصصین روابط بین الملل براین عقیده‌اند که گفتمان جدید بر این امر تأکید داشت که سیاست بین الملل نشانه های معطوف به عدالت بین المللی را نادیده گرفته است. تغییر در جهت‌گیری سیاست خارجی ایران در دوره اخیر به این دلیل انجام پذیرفت که نخبگان جدید سیاسی و همچنین فضای اجتماعی حاکم بر ایران نسبت به سیاست های غرب در قبال ایران کاملاً نا امید و بیمناک بودند.و به این ترتیب قالب های معطوف به عدالت گرایی در حوضه های سیاست داخلی انعکاس خود را در عرصه سیاست خارجی نیز بوجود آورد (متقی،۸۷ :۴۵).

اما بسیاری از اندیشوران روابط بین الملل نگاه متفاوتی از شرایط حاکم بر دستگاه دیپلماسی ایران دارند، محمود سریع القلم یکی از آنان است، اودر کتاب سیاست خارجی ایران پارادایم ائتلاف می نویسد: بر پا داشتن عدالت،دفاع از نهضت ای آزادی بخش و دفاع از مسلمانان جهان موجود در قانون اساسی ایران که از ابتدای جمهوری اسلامی تا کنون دستگاه دیپلماسی در عرصه بین المللی آن راتعقیب می نماید شاید در آینده‌ای دور کاری تا حدودی عملی باشد. ولی مستلزم امکانات، قدرت وتوانمندی های فوق العاده ای است که پیچیده تر و دارای تفاوت ها وچه بسا تضاد های جدی در میان کشورها و اقوام مختلف است (سریع القلم،۵۲،۷۹).

سیف‌زاده نیز همین نگرش را تأیید می‌کند: به طورکلی می‌توان گفت که آزادی تجدیدنظرطلبی واستقرار نظام عادلانه غیرهژمونیک پایدارترین آرزوی سیاست خارجی ایران است که در بیان و اندیشه مقامات بلندپایه آن نیز متجلی می‌شود. تجربه نشان می دهد که تجدیدنظرطلبی باید نسبت به قدرت ملی باشد، نه به تغییر ساختار بین‌المللی. زیرا قدرت

www.SID.ir

Archive of SID

کوچک در صورت اتخاذ سیاست صحیح وکارآمد،می تواند آینده خودرا تغییردهد. راه تغییر ساختار بین المللی مناسب برای آن که منزلت کشور مناسب شود، راهی هزاره ای است ونه واقعی. به لحاظ تاریخی، تجربه نشان داده است،که تحول دردرون نظام برای تغییر منزلت خودامکان موفقیت دارد. زیرا جمهوری اسلامی ایران توان اقناعی، تشویقی و اکراهی لازم را در اختیار ندارد که بتواند موضع ناسازگار قدرت‌های بین المللی را باخواسته عدالت جویانه خود همسازکند (سیف زاده، ۸۱ ۴۶۵). زیبنده ترین کاری که یک یک دولت در حال توسعه میتواند انجام دهد این است که نظام داخلی خود را در طی فرایندی با رفاه توأم با عدالت و سجایای اخلاقی و انسانی سامان داده و نمونه ای برای جهانیان عرضه کند(سریع القلم، ۸۴،۱۲۵).

نتیجه

آنچه از این تحقیق حاصل آمد، از نظر اسلام عدالت هم اصل و مبدأ و هم والاترین هدف جهان هستی و ادیان توحیدی و آدمیان و تحقق آن در جامعه یک رسالت الهی و وظایف اصلی انبیاء واهل ایمان است. زیرا از نظر اسلام عدالت امری فطری، اصلی ترین فضیلت، منبع همه ی فضایل و به عنوان یکی از اصول اعتقادی مذهب تشیع محسوب می شود.بنا براین تلاش ویژه جمهوری اسلامی برای بر پاداشتن این اصل درعرصه داخلی وبین المللی ریشه در نظام اعتقادی اسلام دارد.با توجه به ویژگی های نظام سیاسی ایران، یکی از اهداف کلان جمهوری اسلامی تعقیب اصل عدالت درعرصه بین المللی است زیرا نظام فکری –دینی مسلمانان بخصوص شیعیان «...لیقوم الناس بالقسط ویمل الله به الا رض عدلاً وقسطا»است.بنا بر این فوری ترین هدف تشکیل نظام اسلامی استقرار عدالت اجتماعی وقسط اسلامی استو جامعه بشری جز با قیام به قسط و بسط عدل قوام نمی یابدچرا که قیام پیامبران خدا ونزول کتاب و میزان الهی بر اساس همین اصل بوده است.

آنگونه که ازاصول متعدد قانون اساسی و عملکرد روابط خارجی ایران استنباط می‌گردد، مهمترین رسالت جهانی انقلاب اسلامی که توسط دستگاه دیپلماسی اش تعقیب و پیگیری می-شود و در قانون اساسی (در مقدمه و اصول یکم، سوم بند نهم، یکصد و پنجاه و دوم و یکصد و پنجاه و چهارم و...) مبین یکی ازاصول اعتقادی وتلاش حکومت درجهت یافتن سازوکارهایی مناسب و مطلوب به منظور اعمال و اجرای آن در ابعاد داخلی و بین‌المللی و سعی کوشش جهت وادارساختن نهادهای بین المللی و اصرار بر تغییر ارزش های مادی‌گرایانه و مبتنی بر زور بر مبنای عدالت یکی از وظایف و رسالت خطیر انقلاب اسلامی تلقی می‌گردد. زیرا جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در جامعه بشری را آرمان خود و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌داند و بر پیایی حکومت جهانی اسلام بر محور عدالت

www.SID.ir

Archive of SID

می‌پندارد. گفتمان انتقادی جمهوری اسلامی پیرامون مقولاتی چون رفتار نهادهای بین المللی، سلسله مراتب قدرت، رفتارقدرت های بزرگ و تلاش در جهت متقاعد ساختن آنان به رویه و رویکرد عادلانه ناشی ازچنین اصل اعتقادی است. چرا که هدف از استقرار جمهوری اسلامی به بیان تصمیم‌سازان انقلابی و به استناد قانون اساسی برپا داشتن اصل عدالت درهمه ابعاد زندگی (اقصادی، اجتماعی و سیاسی) است. باید پذیرفت در جهان کنونی اهداف کلانی مانند بر پا داشتن عدالت که جمهوری اسلامی ایران به دنبال آنست بواسطه آرمان‌ها و اعتقادات برای خود طراحی نموده است، ریشه در جهان شمول، فلسفی، فراگیر و ابدی بودن اعتقادات اسلام دارد بخصوص در تفکر شیعی که عدالت خواهی ملاک اصلی آن است. اما در مقام عمل و اجرا جهان بر اساس منافع مادی وملی مدیریت می‌شود نه بر اساس اخلاق و عدالت. در عرصه بین المللی تحقق هر هدفی به حجمی از قدرت، ثروت و بازیگران توانمند نیازمند است و اجرای چنین اهداف متعالی (عدالت، سجایای اخلاقی و...) مستلزم بر خور داری از قدرتی جهانی است تا بر اساس آن به توان قوائد بین المللی جدیدی طراحی نمود. .

منابع و مآخذ:

الف. فارسی :

۱ – قرآن کریم، (۷۴ ۱۳) انتشارات سروش

۲–ابراهیمی، محمد و جمعی از نویسندگان.(۷۸ ۱۳) اسلام و حقوق بین الملل، پژوهشکده حوزه و دانشگاه انتشارات سمت

۳ – آقایی،سید داوود.(۱۳۸۱) ایران و سازمان های بین المللی،نش مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۴– بشیریه،حسین.(۸۴ ۱۳) آموزش دانش سیاسی،انتشارات نگاه معاصر

۵– حائری یزدی، مهدی.(۷۴ ۱۳) حکومت و حکمت. انتشارات شادی

۶– حقیقت، سید صادق.(۷۶۱۳) مسئولیتهای فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی،نشر تحقیقات اندیشه اسلامی

۷– خمینی (امام)، روح الله، صحیفه نور ج ۳و۴، شرح حدیث جنود عقل و جهل – عدالت الهی

۸ـــــــــــــــــ تحریر الوسیله، مسئله ۱۲ ج ۱

۹ـــــــــــــــــ صحیفه ی نور، جلدهای ۱۶ تا ۲۳

۱۰– خوانساری، جمالدین. محمد.شرح غرو الحکم و دروالکلم، ج ۲

۱۱– خامنه‌ای، آیت اله سید علی.(۸۲ ۱۳) سیاست‌های کلی نظام، برنامه ی چهارم توسعه

۱۲– خلیلیان، سید خلیل.(۶۶ ۱۳) حقوق بین‌الملل اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی

۱۳– خرم دره، احسان.(۸۱ ۱۳) چگونگی شکل‌گیری ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران

۱۴–خرازی، سید کمال.(۸۰ ۱۳) سیاست خارجی ما،دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی

۱۵ـــــــــــ (۸۰ ۱۳) سیاست خارجی ما. سخنرانی داووس سوئیس، کنفرانس جهانی اقتصاد، نشر دفتر مطالعاتی سیاسی و بین المللی.

۱۶– دلشاد تهرانی، مصطفی.(۱۳۸۱) حکومت حکمت، انتشارات دریا

۱۷– رمضانی،روح الله.(۱۳۸۰) چارچوبی تحلیلی برای سیاست خارجی ایران،نشر نی

۱۸–سریع القلم،محمود. (۷۹ ۱۳) سیاست خارجی ایران،نشر مرکز تحقیقات استراتژیک

۱۹–––––––––. (۸۴ ۱۳ ایران و جهانی شدن. نشر مرکز تحقیقات استراتژیک

www.SID.ir

Archive of SID

۲۰–دهشیری، محمد رضا. (۷۹ ۱۳) در آمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی، مرکز اسناد انقلاب
۲۱–شریعتی، علی.(۵۳ ۱۳) وحدت و عدالت، حسینیه ارشاد، انتشارات بی جا
۲۲– شکوری، ابو الفضل.(۷۷ ۱۳) فقه سیاسی اسلام، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
۲۳– شجاعی، زند، علیرضا.(۸۲ ۱۳) برداشتی همساز و موزون از آزادی و عدالت در قانون اساسی
۲۴– صالحی نجف آبادی، نعمت الله. (۶۳ ۱۳) ولایت فقیه حکومت صالحان، نشر فرهنگ اسلامی
۲۵– صفایی، سید حسین.(۷۵ ۱۳) حقوق بین‌الملل و داوری‌های بین‌المللی، نشر میزان
۲۶صدر،سید محمد باقر.(۱۳۷۷) اندیشه سیاسی،ترجمه م– جمشیدی،نشر دفتر مطالعات سیاسی
۲۷– ضیایی بیگدلی، محمدرضا.(۶۹ ۱۳) حقوق بین‌الملل اسلامی، شرکت سهامی انتشار
۲۸– طباطبایی، محمد حسین.(۶۰ ۱۳) تفسیر المیزان، سوره آل عمران آیه ۲۰۰
۲۹– عمید زنجانی، عباسعلی.(سال ۶۵ ۱۳) فقه سیاسی اسلام، انتشارات امیرکبیر
۳۰ــــــــــــ. (۸۰ ۱۳) مبانی اندیشه سیاسی اسلام، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه
۳۱– فیرحی، داوود.(۸۲ ۱۳) نظام سیاسی و دولت در اسلام، انتشارات سمت
۳۲–قادری، حاتم.(۸۲ ۱۳) اندیشهای سیاسی در اسلام و ایران، انتشارات سمت
۳۳– قوام،عبدالعلی.(۱۳۸۴) اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل،نشر سمت
۳۴ –قطب،سید.(۷۸ ۱۳) عدالت اجتماعی اسلام،نشر شروق
۳۵– کاظمی، اخوان بهرام.(سال ۱۳۸۱) عدالت در نظام سیاسی اسلام، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۳۶– مسجد جامعی، محمد.(۱۳۶۵) زمینه های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن،نشر فرهنگ اسلامی
۳۷– متری، فوزی. (۶۶ ۱۳) سیاست در فلسفه سیاسی اسلام،نشر معارف
۳۸– محمدی، منوچهر.(۷۷ ۱۳) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اصول و مسایل، نشر داد گستر
۳۹– ــــــــــــ .(سال ۵۷ ۱۳) عدل الهی، تهران انتشارات صدرا
۴۰– مشیر زاده،حمیرا.(۱۳۸۵) نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران،نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
۴۱ – مولانا، حمید. محمدی،منوچهر.(۱۳۸۷). سیاست خارجی ایران در دولت احمدی نژاد.نشر دادگستر.
۴۲ – نصر، سید حسین. (۱۳۸۴) قلب اسلام، نشر نی
۴۳ – نخعی، هادی.(۱۳۷۶) توافق وتزاحم منافع ملی ومصالح اسلامی دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
۴۴ – نقیب زاده، احمد.(۱۳۸۱) تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی ایران،نشر دفتر مطالعات سیاسی
۴۵– –ولایتی، علی اکبر.(سال ۱۳۷۶) دیدگاههای جهانی ج.۱. ایران سخنرانی در چهل و پنجمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل.
۴۶ – واعظی،احمد.(۷۸ ۱۳) حکومت دینی، مرکز نشر اسرا
۴۷ –ولی پور زرومی،سید حسین.(۱۳۸۳) گفتمان‌های امنیت ملی در ایران، پژوهشکده مطالعات راهبردی

ب. خارجی:

1-Khadduri, M.(1955) War and Peace in the Law. Islam Baltimore the johans Hopkins press
2- Mohammad Ayoob.(1995)The Third world security Rinner publisher
3- R.K ramazany. (1992) Irans Foreign Policy both North and South Middle East
4 -http.www.abadgaran.ir.p2
5- Robert, 1964, p358-52
6-Rawls, john.(1999)justice as fairness , published in collected papers, Cambridg press
7 ---------.(1971) A theory of justice Harvard university press
8- mowlana hamid (1977).Global information and world communication; new frontiers in international relations; sage publications, London
9- htt:// www.president.ir/fa

www.SID.ir